یادداشت روز

کرم‌ها و ریشه‌ها

اگر آرمان به سانتریفیوژ وصل نیست، به چه چیزی وصل است؟ یعنی کجا ممکن است خط قرمز باشد و آستانه تحمل قائلان این سخن تمام شود؟ کجاهاست که غیرت یک فرد یا جامعه دیگر نمی‌پذیرد کوتاه بیایند؟ اصلا آیا محل نزاع و بحث مثلا میان منافع و آرمان‌ها و دوگانگی واقعیت‌ها و ارزش‌هاست آن‌گونه که در سخنان هفته گذشته رئیس‌جمهور القا شد و عمیق‌تر آن سال‌هاست از زبان طیفی از معارضین اصول انقلاب اسلامی- از جبهه ملی و نهضت آزادی تا راست و چپ‌های تجدیدنظرطلب نظیر برخی اعضای کارگزاران و مشارکت و مجمع روحانیون و حتی یکی دو عضو زاویه گرفته جامعه روحانیت- ادا می‌شود؟ کسانی با بدفهمی و خیال مصلحت‌سنجی وارد این مغالطه شده‌اند اما متن و اصل و ریشه این خط در معارضه با انقلاب اسلامی است. سخنگوی حزب کارگزاران به عنوان کسی که این حزب را لیبرال توصیف کرد یکشنبه ۲۱ دی ۹۳ در مصاحبه با روزنامه اعتماد می‌گوید «ما باید مشخص کنیم می‌خواهیم همچنان یک دولت انقلابی باشیم یا دولتی مستقل که می‌خواهیم به مسائل داخلی بپردازیم. اگر بخواهیم انقلابی بمانیم و رفتار کنیم باید بسیج و سپاه را تقویت کرد، یارگیری‌هایی در منطقه داشته باشیم، حوزه نفوذمان را افزایش دهیم... ما باید تعاملات و سرمایه‌گذاری خارجی را افزایش دهیم. مردم باید تصمیم بگیرند می‌خواهند دولت و نظام پیشتاز در منطقه و جهان داشته باشند یا ترجیح می‌دهند نظام و دولتشان مستقر و در خدمت توسعه و آبادانی کشور و نظام باشد.» این جریان به آقای روحانی و دولت وی به چشم پلی برای عبور از آرمان‌های انقلاب- با ژست تامین منافع ملی- می‌نگرد.

قبل از بررسی پرسش‌های فوق‌الذکر باید از یک عارضه مهم که خیلی هم به چشم نمی‌آید تحت عنوان «کرم‌خوردگی فکری و فرهنگی» در میان برخی جریان‌ها سخن گفت. به تعبیر دهخدا «کرم‌خوردگی: خوردن کرم درخت را، و آن آفتی است که بر اثر کرم‌های ریز حاصل می‌شود.» مفهوم رساتر، کرم‌خوردگی دندان است. دندان در ظاهر سالم اما در واقع از درون پوک شده و پوسیده است. گاه اندازه یک خال کوچک به نظر می‌رسد اما وقتی همان خال را بشکافید یا دندان بشکند معلوم می‌شود پشت این دیواره به ظاهر سالم، بخش اعظمی از دندان بر اثر فعالیت باکتری‌ها پوسیده است. گاه این عمل باکتری‌ها موجب ایجاد حفره و سپس تعمیق آن و شکستن دندان می‌شود. اتفاقی که در سازمان مجاهدین (انقلاب) و حزب مشارکت و کارگزاران رخ داد، مشابه همین کرم‌خوردگی است. ۹ دی ماه ۱۳۸۰ در حالی که «عصر ما» ارگان «سازمان» توقیف شده بود، نشریه سکولار همشهری ماه به سردبیری محمدتق (سردبیر بعدی نشریات زنجیره‌ای) نوشت «عصر ما در تئوری‌پردازی‌های خود می‌کوشید ثابت کند سکولار نیست و با سکولارها مرزبندی دارد اما کارنامه ۸ ساله عصر ما لاجرم گامی بلند در راه عرفی شدن [سکولاریزاسیون] سیاست بود. جناح چپ در عصر ما دوران گذار خویش را از ایدئولوژیزه به استراتژیک سپری کرد. عصر ما آذر ۸۰ لغو امتیاز شد اما مدت‌ها پیش از این عصر ما پایان یافته بود. فراموش نکنیم همه ما بر شانه‌های عصر ما ایستاده‌ایم.»

همین کرم‌خوردگی بود که باعث شد علیرضا علوی تبار جرئت کند درباره حزب مشارکت پیش‌بینی کند و آن پیش‌بینی هم درست از آب دربیاید مبنی بر اینکه ۳ طیف در جبهه مشارکت گرد هم آمده‌اند از جمله کسانی که به خاطر خط امام در مقابل آقای منتظری ایستادند اما طیف تکنوکرات و بورکرات، خط امامی‌ها را به حاشیه خواهند برد. همین کرم‌خوردگی است که موجب می‌شود سردبیر «همشهری ماه» و چند نفر قبیل وی امسال به مرکزیت حزب کارگزاران راه پیدا کنند و محمد هاشمی دبیر سیاسی حزب و از پایه‌گذاران آن پس از کناره‌گیری اعتراضی از حزب بگوید من به اعضای کارگزاران هشدار دادم که سرنوشت ساختارشکنانه مشارکت در انتظار کارگزاران است. همین کرم‌خوردگی است که موجب می‌شود سردبیر همشهری ماه پس از حضور در طیفی از پایگاه‌های مطبوعاتی دشمن، سردبیر روزنامه آسمان شود و آن روزنامه از زبان یک عضو گروهک مرتد جبهه ملی، به حکم قرآنی قصاص اهانت کند. اسفند ۹۲ این روزنامه توقیف می‌شود اما فقط به ۲ میلیون تومان جریمه محکوم می‌شود! بعدها اخباری از حضور آقای سردبیر در برخی گروه‌های انتخاب وزیر و مدیر منتشر شد تا ۲۷ تیر ۹۳ که همین آقا به همراه برخی دیگر از اعضای گروهک‌های ناشادار به مراسم افطار رئیس‌جمهور دعوت می‌شود و در آنجا درباره زندگی به سبک حلزون خانه به دوش، فقدان آزادی بیان و اظهار همدردی با رئیس‌جمهور در قبال برخی محدودیت‌ها سخنرانی می‌کند. به چند ماه نمی‌کشد که همین یادوی جریان‌های معارض و تجدیدنظرطلب، سردبیر یک روزنامه تازه تاسیس می‌شود تا دیروز تیتر و عکس تمام قد صفحه اول خود را به یک کارگردان و این عبارت اختصاص دهد؛ «من هم شارلی هستم.»!

«من هم شارلی هستم»، برگردان «من هم سلمان رشدی هستم» است. درباره اتفاقات این روزهای پاریس و حمله به مجله طنز شارلی ابدو و پشت پرده‌های آن باید در زمان دیگری گفت و نوشت. حقیقت این است که ۲ گروه تروریست فرهنگی و فیزیکی (از سروش تا داعش) یکی با ژست روشنفکر و دیگری با قیافه مسلمانی، به اصل و ریشه و تنه و ساقه اسلام حمله می‌کنند. علت هم همان است که چند سال پیش سروش (به عنوان شروع‌کننده برخی توهین و تحریف‌ها نسبت به پیامبر(ص)) با صدای بلند در هلند و پاریس گفت «سکولاریسم که قرار بود نسبت به ادیان بی‌طرف باشد اکنون تبدیل به سکولاریسم ستیزه‌گر شده یعنی رسما با پاره‌ای از ادیان در می‌آویزد و می‌ستیزد و وجود اجتماعی آن را تحمل نمی‌کند. از این قرار چیزی اتفاق افتاده که در پیش‌بینی سکولارها نبوده است... رفته رفته سکولاریسم وارد دوره ستیزه‌گر و میلیتانت می‌شود. سکولاریسمی که مدارا و ظرفیت و هاضمه قوی پیشین خود را از دست داده است. به گفته جامعه‌شناسان و برخلاف پیش‌بینی‌ها، ادیان در حال قوت گرفتن هستند... سکولاریسم نمی‌تواند دین قوی و فربه را ببلعد و از گلویش پایین نمی‌رود و لذا ستیزه‌گر می‌شود... آمریکا، عراق و افغانستان را اشغال کرد و هر دو کشور در قانون اساسی نوشتند ما باید قوانین‌مان را از شرع بگیریم. سکولاریسم صدامی تبدیل شده به آنتی سکولاریسم و این در مخیله آمریکایی‌ها نمی‌گنجید... در کشورهای اروپایی حکومت‌ها در مواجهه با اقلیت‌های دینی نیرومند کم‌کم دارند مدارای خود را از دست می‌دهند.»

شارلی ابدو با عقبه یهودی، سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۱ به همراه برخی نشریات اروپایی از جمله دانمارکی اقدام به انتشار کاریکاتورهای توهین‌آمیز علیه پیامبر اعظم(ص) کرد. این نشریه اعلام کرد همین امروز (چهارشنبه) نیز کاریکاتورهایی علیه پیامبر اسلام(ص) منتشر خواهد کرد. اما یک روز قبل، یک روزنامه ایرانی- با عقبه‌ای که به اجمال گفته شد- در تیتر یک بزرگ خود با وقاحت می‌نویسد «من هم شارلی هستم». یعنی سلمان رشدی‌ها در این مسجد ضرار دور هم جمع شده‌اند. این کرم‌خوردگی و فعالیت زالوها و انگل‌ها در حال وقوع است اما چون دوقطبی اصلی برای برخی مسئولان، دوقطبی غیرواقعی و مغلوط «حامی دولت- منتقد و مخالف دولت»- و نه دوقطبی باورها و منافع ملت و دشمنان آن- است بنابراین از کنار این قبیل نشریات عبور می‌کنند و دست روی نشریه منتقدی می‌گذارند که خبر مرگ دیکتاتور عربستان (یکی از عاملان اصلی انواع جنایت‌ها علیه ملت‌های منطقه و خائن بزرگ در ماجرای سقوط قیمت نفت) را تیتر خود کرده است. این روزنامه بلافاصله دادگاهی می‌شود چون موجب تخریب روابط خوب ما با آل سعود شده(!) اما متولیان نشریات زنجیره‌ای جرئت می‌کنند گستاخی را از غیرانسانی خواندن قصاص به «من هم شارلی هستم» توسعه بدهند. چرا؟ چون آرمان بعضی از ماها نه به سانتریفیوژ که به هیچ رگ و ریشه‌ای وصل نیست. به اعتبار همین پکیدگی و پوسیدگی بود که فروردین ۸۸ یک سارق لباس پیامبر(ص) در اسلامبول ترکیه (اجلاس اتحاد تمدن‌ها) دست راسموسن دبیر کل ناتو و نخست‌وزیر سابق دانمارک را که از حامیان اصلی کاریکاتورهای توهین‌آمیز علیه رسول اعظم(ص) بود، گرفت و به گرمی فشرد در حالی که دست راست راسموسن شکسته و از گردن آویزان بود.

از کتاب آیات شیطانی تا کاریکاتورها و مقالات اهانت‌آمیز رسانه‌های اروپایی و آمریکایی و از اعلام جنگ جهانی چهارم و صلیبی علیه ۲۳ کشور اسلامی تا تبدیل آن به جنگ نیابتی توسط امثال داعش و آل سعود و... نشان می‌دهد اتفاقا رویکرد غرب به حوزه جهان اسلام نگاه مطلقا ایدئولوژیک و نه مبتنی بر منافع ملی و دیالوگ و مذاکره و احترام است. بدین ترتیب این تلقی که آرمان‌ها را باید پشت در مذاکرات گذاشت و درباره منافع مشترک مذاکره کرد، نه معارضه با آرمان که معارضه و انکار واقعیت است. در حقیقت خطا یا مغالطه است که آرمان‌ها و منافع ملی مقابل هم نشان داده شوند حال آن که اولا پیگیری آرمان‌ها در میان مدت و بلند مدت رکن مقوّم منافع ملی ماست و ثانیا این واقعیات هستند که برخی ذهنیت‌ها فانتزی و خیالی در زمینه امکان تعامل با غرب، بستن با کدخدا و خوش‌گمانی نسبت به آمریکا را به چالش کشیده‌اند. به عبارت دیگر آنچه به واسطه واقعیت‌ها زیر سوال و در گوشه رینگ است نه آرمان‌های اسلامی و انقلابی ملت که برخی خیال‌پردازی‌های رمانتیک و تجدیدنظرطلبانه نسبت به استکبار می‌باشد. به راستی در حالی که برخلاف توافق ژنو تحریم‌ها ۱۰۰ مورد افزایش پیدا کرد و حتی تحریم ناچیز صنعت خودرو خلاف تعهد غرب لغو نشد با چه رویی می‌توان ماجرا را به تقابل منافع ملی و آرمان نسبت داد؟

وقتی آقای عراقچی معاون وزیر خارجه می‌گوید مذاکرات مسقط مذاکرات بسیار بدی بود که می‌خواستیم تعطیل کنیم و آقای صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی تصریح می‌کند غرب در وین جا زد و با افزایش مطالبات سراغ تبدیل اورانیوم ۵ درصد (پس از اورانیوم ۲۰ درصد) رفت، و این همه در حالی است که کمترین صحبتی از لغو ملموس و موثر تحریم‌های اصلی در کوتاه مدت نیست، چگونه می‌شود صورت مسئله را تحریف کرد و روند مذاکرات را به صلح حدیبیه پیامبر(ص) تشبیه کرد؟! اگر قرار باشد هر بار بر دامنه امتیازات واگذار شده افزوده شود و حالا به اصل سانتریفیوژ برسیم و از آن طرف تحریم‌ها بماند و فربه‌تر هم شود و چرخ تولید به خاطر بی‌تدبیری‌های برخی دولتمردان- و نه الزاما تحریم‌ها- نچرخد، آنگاه تکلیف شعارها و وعده‌ها چه می‌شود؟! آیا آنگاه نباید گفت غیرواقعی‌ترین شعارها همین شعارهای نابهنجار و به دور از استانداردهای انقلاب بوده است؟! پیامبر اعظم(ص) یا صحابی ایشان کجا در ماجرای حدیبیه یا حتی در محاصره شعب ابی‌طالب و محاصره - جنگ دشوار احزاب ولو یک بار- آن هم با صدای بلند به نحوی که دشمن بشنود- مهر تایید بر فشارها و دعاوی دشمن گذاشتند و گفتند «با انزوا نمی‌شود پیشرفت کرد»؟! آیا جز بیعت رضوان با رهبر سخن دیگری در حدیبیه مطرح شد؟ دشمن باید از این قبیل اظهارات چه سیگنالی را دریافت کند؟ تحلیل‌های اینهورن مشاور سابق اوباما در المانیتور و ری تاکیه عضو شورای روابط خارجی آمریکا در لس‌آنجلس تایمز که در اخبار دیروز کیهان منتشر شد، نشان می‌دهد این آدرس دادن‌های غلط و خلاف واقع، دشمن سرخورده را جسور و امیدوار کرده است.

منطق ما نمی‌توانیم و باید کوتاه بیاییم مطلقا در قاموس قرآن و ادبیات پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام نیست. ادبیات «لاطاقة لنا الیوم بجالوت و جنوده- ما نمی‌توانیم مقابل جالوت و لشکریانش مقاومت کنیم»، «یا اهل یثرب لامقام لکم فارجعوا- مردم این جنگ جنگ شما نیست و نمی‌توانید باقی بمانید، از مقاومت برگردید» و قبیل آن منطق مومنان نیست؛ منطق اهل تردید و تردد میان جبهه حق و باطل است. جناب آقای روحانی به عنوان کسی که افتخار دارد لفظ امام را برای آیت‌الله خمینی در کوران انقلاب ترویج کرده و در سال ۷۸ علیه اوباش مزدور آمریکا صریح سخن گفته، با حساب همه اعضای جبهه جنگ نیابتی (از سروش تا داعش) جداست. بنابراین باید ادبیات اسلام و انقلاب را سر دست بگیرد و دولت را در مقابل جنگ مستقیم و جنگ نیابتی جبهه شیطان بزرگ تجدید سازمان کند. این مقدمه بسیاری از گشایش‌ها و برکت‌هاست.

محمد ایمانی

یک روز قبل از آغاز مذاکرات ظریف و کری

آمریکا علیه برنامه هسته‌ای ایران به رژیم صهیونیستی تضمین داد

پایگاه هیل، ارگان کنگره آمریکا در گزارشی نوشت: روز دوشنبه و تنها چند ساعت بعد از اظهارات جان کری، وزیر خارجه آمریکا مبنی بر امیدواری درخصوص پیشرفت مذاکرات هسته‌ای، اوباما و نتانیاهو به صورت تلفنی با یکدیگر گفت‌وگو کردند و رئیس‌جمهور آمریکا در این زمینه به تل‌آویو تضمین داد.

بر اساس این گزارش، کاخ‌سفید در بیانیه‌ای اعلام کرده رئیس جمهور در این گفت‌وگوی تلفنی با نتانیاهو بار دیگر تأکید کرده که «آمریکا بر رسیدن به نوعی از توافق جامع هسته‌ای با ایران متمرکز است که این کشور را از دستیابی به سلاح اتمی بازدارد و به جامعه جهانی اطمینانی قابل راستی‌آزمایی درباره ماهیت کاملاً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران بدهد.»

همراهی دولت و کنگره آمریکا

از سوی دیگر «سامانتا پاور» نماینده آمریکا در سازمان ملل گفت: همچنان شانس رسیدن به توافق هسته‌ای میان ایران و گروه موسوم به ۱+۵ وجود دارد.

به نوشته خبرگزاری رویترز، پاور با بیان اینکه «شانس قابل اعتنایی» برای رسیدن به توافق هسته‌ای جامع با ایران وجود دارد، گفت واشنگتن نیز خواستار حصول این توافق است.

وی همچنین در پاسخ به سوالی در رابطه با تلاش برخی نمایندگان کنگره برای تصویب تحریم‌های تازه علیه ایران، گفت: انجام چنین کاری، مذاکرات با ایران و امکان توافق هسته‌ای را «به میزان قابل توجهی تضعیف» می‌کند.

نماینده آمریکا در سازمان ملل که در مرکز «مک‌کانل» دانشگاه «لوئیزویل» صحبت می‌کرد، در این رابطه گفت: «اگر حالا تحریم‌های جدید مرتبط با مسئله هسته‌ای را کلید بزنیم، از منزوی کردن ایران به سمت انزوای بالقوه خودمان حرکت کرده‌ایم.»

وی افزود: «برخی اعضای کنگره معتقدند که زمان تشدید تحریم‌های ایران فرا رسیده است. آنها این‌طور استدلال می‌کنند که این موثرترین راه برای رسیدن به این است که ایران برنامه هسته‌ای خود را کنار بگذارد.»

نماینده آمریکا در سازمان ملل در ادامه گفت: به محض آنکه دولت به این نتیجه برسد که امکان توافق وجود ندارد، با کنگره برای افزایش تحریم‌ها همراه می‌شود، اما «ما هنوز به آن نقطه نرسیده‌ایم.»

نمایندگان کنگره آمریکا که از ابتدای مذاکرات نقش بازیگر سختگیر را ایفا کرده‌اند، دو طرح را در دستور بررسی دارند که یکی از آنها افزایش مشروط تحریم‌ها و دیگری مشروط کردن اجرای هرگونه توافق، به مصوبه کنگره است. سنای جمهوری‌خواه اعلام کرده به زودی این دو طرح را مورد بررسی قرار می‌دهد.

سنای آمریکا و طرح تحریم‌های جدید

به گزارش خبرگزاری‌ها، یک روزنامه صهیونیستی پس از اظهارات نماینده آمریکا در سازمان ملل که خواستار عدم وضع تحریم‌های جدید علیه ایران شده ادعا می‌کند نمایندگان مجلس سنا طرح تحریم‌های جدید علیه ایران را در هفته جاری وضع می‌کنند.

روزنامه صهیونیستی جروزالم‌پست روز سه‌شنبه از قول منابعی که آنها را معاونان ارشد در کنگره معرفی کرد گزارش داد؛ مجلس سنا در هفته جاری طرحی که تحریم‌های جدید علیه ایران را در صورت شکست مذاکرات تشدید می‌کند، تصویب خواهد کرد.

به نوشته این روزنامه سناتور «لیندسی گراهام» هفته گذشته گفت: سنا علاقه‌مند است تا قبل از تاریخ ۲۰ ژانویه که روز سخنرانی وضعیت کشور توسط رئیس‌جمهور است یک طرح را به تصویب برساند.

مطابق این ادعا، یکی از دستیاران آشنا به فرایند تدوین این طرح پیش‌بینی کرده می‌تواند ظرف چند روز آینده ۶۵ طرفدار برای ضمانت تصویب را پیدا خواهد کرد. با این حال گراهام می‌گوید او در محاسباتش به دنبال ۶۷ طرفدار است تا از غیرقابل وتو بودنش اطمینان حاصل کند.

ناکارآمدی تحریم ها

از سوی دیگر، روزنامه آمریکایی «لس‌آنجلس تایمز» در گزارشی نوشت: طبق آمار و ارقام منتشر شده، میزان برنامه‌های تحریمی آمریکا در یک دهه گذشته دو برابر شده است و از ۱۷ مورد به ۳۴ مورد افزایش پیدا کرده است اما هرچه آمریکا بیشتر از تحریم‌ها استفاده می‌کند، محدودیت کارآمدی این تحریم‌ها بیشتر محسوس می‌شود و همچنین این تحریم‌ها پتانسیل این را دارد که به ائتلاف آمریکا آسیب وارد آورد. گرچه مقامات آمریکایی اغلب تلاش می‌کنند تا تحریم‌ها را با همپیمانان خود هماهنگ کند، اما آنها این توانمندی را دارند که در صورت لازم، خودشان وارد عمل شوند در نتیجه برخی از دوستان آمریکا به این باور رسیده‌اند که تحریم‌ها نمایانگر نوع جدیدی از یکجانبه‌گرایی آمریکا است.

این گزارش سپس به تحریم‌های آمریکا علیه روسیه و ایران اشاره کرد و نوشت که این تحریم‌ها خسارت اقتصادی به این کشورها وارد کرده است اما توانمندی این را نداشته که رهبران این کشورها را وادار به انجام کارهایی کند که آمریکا خواستار آنها است.

آغاز مذاکرات ژنو

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان در رأس تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای به منظور رایزنی و گفت‌وگوی دوجانبه با جان کری همتای آمریکایی خود بامداد امروز (چهارشنبه) راهی ژنو شد.

سید عباس عراقچی و مجید تخت روانچی معاونان ظریف و دیگر اعضای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای، ظریف را در این سفر همراهی می‌کنند و قرار است رایزنی‌های دوجانبه ایران و آمریکا در سطح معاونان روزهای ۲۵ تا ۲۷ دی ماه در ژنو برگزار شود. ویلیام برنز قائم مقام سابق وزیر خارجه آمریکا و وندی شرمن معاون وزیر خارجه آمریکا در این دور از گفت‌وگوها با تیم مذاکره‌کننده ایرانی به گفت‌وگو خواهند نشست.

معاونان وزرای خارجه ایران و آمریکا و کارشناسان دو کشور در یازدهمین دور مذاکرات جامع هسته‌ای که ۲۴ تا ۲۶ آذر ماه در شهر ژنو برگزار شد، طی ۲ روز رایزنی فشرده و جمعا ۱۲ ساعت به گفت‌وگو پرداختند و عراقچی این مذاکرات را فشرده، سازنده و مفید خواند.

آنگونه که پیش از این سید عباس عراقچی اعلام کرد: امروز، ظریف و جان کری، پیش از مذاکرات دوجانبه معاونان خود با یکدیگر دیدار می‌کنند. متعاقباً طی روزهای ۲۵ الی ۲۷ دی هیئت‌های مذاکره‌کننده ایرانی و آمریکایی در ژنو مذاکره دوجانبه خواهند داشت و روز ۲۸ دی نیز مذاکرات ایران و ۱+۵ در سطح معاونان برگزار خواهد شد.

خبر ویژه

اولاند و نتانیاهو بودند فقط جای بندر بن سلطان خالی بود!

حضور افرادی مانند نتانیاهو و وزیر خارجه ترکیه در صدر راهپیمایی کنندگان در پاریس برای اعلام مخالفت با اقدامات تروریستی، این سوال را در اذهان ایجاد می‌کند که چرا «بندر بن سلطان»، «ابومحمد الجولانی» و «زهران علوش» در این راهپیمایی حضور ندارند؟!

روزنامه الاخبار لبنان ضمن انتشار این تحلیل نوشت: برگزاری راهپیمایی در پاریس با وجود حضور سران و رهبران تروریست مانند فرانسوا اولاند رئیس‌جمهوری فرانسه در صدر راهپیمایان در پاریس، صحنه‌ای کاریکاتوری را ترسیم کرد. اولاند با اصرار، سیاست‌های نیکولا سارکوزی رئیس‌جمهوری قبلی فرانسه را مبنی بر استفاده از گروه‌های تروریستی- تکفیری برای دستیابی به اهداف و آرمان‌های خود در زنده کردن استعمار فرانسه در سوریه دنبال کرد؛ سازمان اطلاعات فرانسه از سال ۲۰۱۱ همه توان خود را برای تجهیز مخالفان سوریه مرتبط با این سازمان به‌کار گرفته و در این راه هزینه‌های بسیاری صرف کرده و به قاچاق سلاح برای تروریست‌ها و حمایت مالی و رسانه‌ای از گروه‌های مسلح در سوریه اقدام کرده است.

نویسنده با اشاره به جنایت‌های فرانسه در آفریقا و لیبی نوشت: فرانسه در لیبی هم نقشی فعال‌تر و مسموم‌تر ایفا کرد؛ «برنار هنری لوی» متفکر صهیونیست فرانسوی، لیبی را فرصت و شانسی برای فرانسه دانست و به سارکوزی گفت که «این شانس فرانسه است.» فراموش نکنید که «احمد داوود اوغلو» اندیشمند ترکیه‌ای(!) و ناتو به فرماندهی پشت پرده آمریکا «حملات دموکراتیک فراگیر» را در لیبی آغاز کردند؛ هواپیماها در آسمان و تروریست‌ها در زمین برای ریختن خون لیبیایی‌ها وارد عمل شدند و این کشور را ویران کردند و گذاشتند که طعمه جنگ تروریست‌ها شود و یک‌سوم از مردم این کشور آواره شوند؛ و این در شرایطی بود که فرانسه پیشنهاد دخالت نظامی را مطرح کرد و به جنگجویان وعده داد کسانی را که بر چاه‌های نفت سلطه پیدا کنند، به رسمیت خواهد شناخت. در همه این موارد فرانسه به شکل تروریسم دولتی ظاهر شده است.

نویسنده الاخبار ادامه می‌دهد؛ فرانسه واقعا نیازمند ترحم است؛ زیرا همه توطئه‌ها، دخالت‌ها و جنایت‌ها و بهایی که بابت سیاست‌های وحشیانه خود می‌پردازد، این کشور را از وضعیت حقیر خود به عنوان یک کشور درجه دوم خارج نخواهد کرد.

الاخبار خاطرنشان کرد: حتی بنیامین نتانیاهو هم به فرانسه آمده است تا نتیجه سیاست‌های خود را مشاهده کند، او می‌خواهد اولاند، فرانسه را برای شهروندان یهودی فرانسه ناامن جلوه دهد تا دیگر هیچ جای امنی در دنیا برای یهودیان جز اراضی اشغالی فلسطین نماند. اما صدها تروریستی که آنها را به سوریه فرستاده است، باز خواهند گشت و برای خدمت به هم‌پیمان اسرائیلی خود، تن یهودیان فرانسه را خواهند لرزاند، این اقدامی است که دست‌کم اعضای «جبهه النصره» که به علت دریافت اطلاعات و حمایت تسلیحاتی و درمان مجروحان خود خیلی مدیون تل‌آویو هستند، انجام خواهند داد.

روزنامه لبنانی نوشت: مهم این است که «داعش» در راهپیمایی پاریس حضور داشت؛ درست است که شخص «ابوبکر بغدادی» (سرکرده داعش) در این راهپیمایی شرکت نکرد، اما شاخه سیاسی داعش یعنی «احمد داوود اوغلو» نخست‌وزیر ترکیه در این راهپیمایی حضور داشت؛ آیا میان دو شاخه داعش اختلافی وجود دارد یا این فقط تقسیم وظیفه و نقش است؟ دولت‌های غربی به پایین‌ترین حد فرومایگی در تاریخ خود رسیده‌اند؛ آنها با تکفیری‌ها و تروریست‌ها هم‌پیمان شده‌اند.

رازگشایی صالحی از علت شکست نشست وین

دور جدید مذاکرات هسته‌ای در حالی قرار است ۲۴ دی ماه در ژنو برگزار شود که در جریان مذاکرات دور قبل علی‌رغم موافقت طرف ایرانی با پیشنهاد آمریکایی‌ها و به علت زیاده‌خواهی‌های کاخ سفید توافق نهایی منعقد نشد.

به گزارش رجانیوز، اخبار رسیده حاکی از آن است که با وجود امتیازات زیادی که تیم ایرانی حاضر به ارائه آن شده است، اما جان کری در لحظات آخر و پس از تماس با اوباما از پیشنهاد خود عقب‌نشینی کرد و عملاً حصول توافق نهایی به شکست انجامید.

علی‌اکبر صالحی در برنامه تلویزیونی نگاه یک درباره جزئیاتی از مذاکرات وین گفته بود: «تقریباً به تفاهم کامل رسیده بودند و کلیات تقریباً پذیرفته شده بود. اتفاقی افتاد که طرف مقابل عقب‌نشینی کرد. نمی‌توانم به جزئیات بپردازم. دو سه روز بعد از این قضیه نخست‌وزیر رژیم غاصب صهیونیستی اعلام کرد که ما نگذاشتیم آنها به تفاهم برسند. کری اعلام کرد ما در هماهنگی کامل با اسرائیل هستیم. دست‌های فراوانی در کار است. آنها منافعشان را در ادامه بحران می‌بینند. ما گفتیم چون از ابتدای امر با حسن نیت و اراده سیاسی برای حل موضوع وارد شده و صادقانه به تمام مسائل پاسخ داده و انعطاف لازم را نشان دادیم. آب سنگین را چگونه حل کردیم و حتی در غنی‌سازی چه کارهایی کردیم و چه پیشنهادی دادیم.»

صالحی با بیان اینکه ما پذیرفته‌ایم فعلاً تا ۵ درصد غنی‌سازی کنیم، گفت الان ۹ هزار سانتریفیوژ داریم که سالانه دو و نیم تن اورانیوم غنی می‌کند در حالی که مورد نیاز ما سالی ۳۰ تن است اما آنها به این میزان هم رضایت نمی‌دهند و می‌گویند این میزان زیاد است و باید تعداد سانتریفیوژها را کم کنید و اورانیوم‌های غنی شده تا ۵ درصد را نیز تبدیل کنید.

هر چند مذاکرات وین به توافق نهایی ختم نشد اما براساس اخبار موجود، علی‌رغم امتیازات فراوانی که طرف ایرانی حاضر به ارائه آن شده است، باز هم طرف آمریکایی بهانه‌جویی کرده است. این در حالی است که گفته می‌شود جان کری انتظار نداشته است طرف ایرانی تا این حد حاضر به ارائه امتیاز شود.

به گزارش رجانیوز با این حال اقدام مقامات آمریکایی در عقب‌نشینی از پیشنهاد خود بیانگر ۳ نکته مهم است: اول آن که برخلاف تصور برخی از مقامات داخلی، نمی‌توان به وعده‌ها و اظهارات مقامات آمریکایی اعتماد کرد. وقتی کاخ سفید صراحتاً پیشنهاد خود را در کمتر از ۲۴ ساعت نادیده می‌گیرد و بدون آنکه دلیلی بیاورد تعهد خود را تغییر می‌دهد طبیعی است پس از حصول توافق با تفسیر خاص خود از تعهداتشان شانه خالی کنند. همانند آنچه که درباره توافق ژنو اتفاق افتاد. دوم، رفتار آمریکایی‌ها در مذاکرات وین بار دیگر این گزاره را اثبات کرد که اگر در برابر فشار و خواسته کاخ سفید عقب‌نشینی کرده و آن خواسته مورد قبول واقع شود، نه تنها از فشارها کم نمی‌شود بلکه خواسته‌ها و انتظارات افزایش پیدا می‌کند. سوم، مقامات دولتی ایران پیش از آنکه چاره کار حل مشکلات اقتصادی را در سیاست خارجی و بستن با «کدخدا» بدانند باید از طرز رفتار آمریکایی‌ها در وین این نکته را دریافته باشند که کاخ سفید پس از حصول توافق احتمالی نیز فشار خود به ایران را حفظ و چه بسا بیشتر می‌کند. در چنین حالتی، ایران پس از توافق، هم صنعت هسته‌ای خود را تقریباً تعطیل کرده است و هم آنکه برخلاف تصور برخی دولتی‌ها، هیچ گشایش اقتصادی حاصل نشده و به بازار نیز ضربه‌ای اساسی وارد می‌شود.

ناکامی در مذاکرات دولت را به کام عوام‌فریبی می‌کشد؟!

سایت الف، دولت و رئیس‌جمهور را از توسل به رفتارهای پوپولیستی برحذر داشت.

الف در تحلیل خود نوشت: مذکرات هسته‌ای، از ابتدا جزو مهمترین و اصلی‌ترین دغدغه‌های آقای روحانی بود؛ به گونه‌ای که دولت عملاً سرنوشت بسیاری از مسائل داخلی را به حل و فصل این مذاکرات گره زد. بنابراین موفقیت یا ادعای موفقیت در این مذاکرات، می‌تواند به عنوان نتیجه دیپلماسی موفق دولت ارزیابی و به جامعه القاء شود. (حتی پیش از پایان مذاکرات هم، شاهد شتاب‌زدگی رئیس‌جمهور در این خصوص بوده‌ایم تا جایی که وی توافق اولیه را پیروزی بزرگ قلمداد کرده و طی نامه‌ای به رهبر معظم انقلاب، این موفقیت بزرگ را به ایشان تبریک گفته بود!) از طرفی شکست مذاکرات هم، به معنای فروریزی شالوده و پایه و اساس دولت تلقی می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت که استمرار این دولت در گرو نتیجه مذاکرات و حل و فصل مسئله هسته‌ای است. به همین علت، این احتمال وجود دارد که دولت به هر قیمتی این مذاکرات را به پایان برساند! یعنی با وجود همه شعارها در خصوص رعایت خطوط قرمز و کوتاه نیامدن از حقوق ملت، احتمال هر توافقی وجود دارد. وقتی سرنوشت دولت به همین مذاکرات گره خورده باشد، پس به هیچ وجه اجازه شکست آن را نخواهد داد!

نویسنده ادامه می‌دهد: دولت آقای روحانی از ابتدای مذاکرات، با یک فرافکنی عجیب و ایجاد یک دو قطبی کاذب، همه منتقدان خود را در زمره مخالفان مذاکره و توافق قرار داد. رسانه‌های حامی دولت نیز با دمیدن بر این دو قطبی غیرواقعی، دوگانه مذاکره/ عدم مذاکره، یا توافق/ عدم توافق را مطرح کردند. حال آن که بسیاری از منتقدان دولت با نفس مذاکره هیچ مخالفتی نداشته و ندارند، حرف آنها در کیفیت و چگونگی مذاکره است. منتقدان، به جای دوگانه غیر عقلانی (مذاکره/ عدم مذاکره یا توافق/ عدم توافق) دوگانه (توافق خوب/ توافق بد) را پیشنهاد دادند و از توافق خوب استقبال کردند.

با این حال، حامیان رسانه‌ای دولت و اشخاصی در خود دولت، با فرار از این دوگانه عقلانی، همچنان بر دوگانه غیرعقلانی خود تأکید و همه منتقدان را هم به عنوان مخالفان توافق معرفی می‌کنند. هدف این سیاست چیزی جز تهییج برای حمایت از دولت در پیشبرد اهداف خود نیست.

الف با اشاره به رویکرد پوپولیستی دولت تصریح می‌کند: مشاورین و تئوری‌پردازان دولت به صراحت خواستار برچیده شدن سیاست خیابانی هستند و بارها به همین بهانه از غیرعقلانی بودن استفاده از نظرات عامه مردم (رانندگان تاکسی و لبو فروشان و...) برای موضوعاتی از قبیل مسائل هسته‌ای شده‌اند. حال چگونه می‌توان این نگاه نخبه‌سالار را بااظهارات عوامفریبانه جمع کرد؟!

زیباکلام، مطهری را دست انداخت

صادق زیباکلام ضمن دست انداختن علی مطهری خواستار اعطای جایزه صلح نوبل به وی شد.

وی در نامه‌ای به سفیر سوئد خواستار آن شده که مطهری به عنوان یکی از مدافعان حقوق‌بشر در فهرست جایزه صلح نوبل قرار گیرد چرا که از موسوی و کروبی و رهنورد (چند تن از سران فتنه و آشوب سال ۱۳۸۸) حمایت کرده است.

چند سال پیش الهه هیکس با همکاری کسانی چون کریم لاهیجی (بغدادی) و سازمان منافقین، شیرین عبادی را برای جایزه نوبل معرفی کردند و این در حالی بود که عبادی پیش از آن تکلیف خود با اصل انقلاب و بسیاری از ارزشها و اصول اسلامی را یکسره کرده بود و از روزگار رژیم پهلوی در نوکری مطلق غرب و جریان معارض اسلام و انقلاب قرار داشت. بنابراین آقای مطهری راه درازی تا رسیدن به امثال عبادی در پیش دارد ضمن اینکه آقای زیباکلام دراین راه بسیار جلوتر است و احتمالا باید خود را به سفیر سوئد معرفی کند تا بدیل آن آرزوی قدیمی نیز فراهم شود مبنی بر اینکه دوست داشته به جای صادق زیباکلام بودن، آلفرد جانسون یا دیوید اسمیت باشد و مورد احترام واقع شود و تحویل گرفته شود!